



حمایت حقوقی از افراد دارای معلولیت از نظر قاعده عمل

شهرام زر نشان *

چکیده

این مقاله ضمن بررسی پیشینه و فرایند ظهور حمایت حقوقی از افراد دارای معلولیت جسمی و یا روانی در پویش تاریخی، زمینه های حقوقی تصویب قانون جامع حمایت از معلولان را که در نیمه اول سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس رسیده است، بررسی خواهد کرد. پیشنهاد مشخص نوشتار حاضر، تکمیل قانون فوق و توجه ویژه به ابعاد اجرایی آن در کنار ترویج فرهنگ ملی حقوق بشر از جمله حمایت از حقوق اقشار آسیب پذیر می باشد.

مقدمه

معلولان به عنوان یکی از بزرگترین اقلیت ها که جمعیتی بالغ بر یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می دهند در اکثر موارد از روی ناچاری به فقر، بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده اند. این افراد که بیش از دو سوم آنان در کشورهای در حال توسعه زندگی می کنند، در معرض اشکال مختلف تبعیض و محرومیت های اجتماعی قرار دارند. مسلم است که آنها به مانند سایر افراد انسانی، از کلیه حقوق و آزادی های اساسی که در اسناد بین المللی و داخلی به آنها اشاره شده، بهره مند می باشند.

در این مقاله، حمایت های صورت گرفته از معلولان را در چارچوب اسناد بین المللی تحلیل خواهیم کرد و سپس وضعیت اینگونه حمایتها در ایران را در پرتو آن مورد ارزیابی مختصر قرار خواهیم داد.

چنانکه می دانیم حقوق بشر، حقوقی است که به انسان صرف نظر از رنگ، نژاد، جنس، کیش، قومیت، عقیده و هر موقعیت دیگر و به صرف اینکه انسان است، بدون هیچ گونه تبعیضی و بصورت برابر تعلق دارد. در واقع بشر به محض تولد و حتی در دوران جنینی دارای این حقوق می شود و کسی آنها را به او اعطا نمی کند و قانونگذار صرفاً به آنها جنبه عینی داده و ضمانت اجرا می بخشد. منشور ملل متحد به عنوان سند تأسیس سازمان ملل، در مقدمه خود با اعلام مجدد ایمان به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی، به واقع آرمان اصلی خود را بشر و ارتقای منزلت او قرار داده و بدین وسیله بنیان های اولیه رعایت برابر حقوق اساسی انسانها را در قالب یک سند مهم بین المللی شناسایی کرده است.

متعاقب آن، اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بعنوان اولین سند عام بین المللی راجع به حقوق انسانها، به تصویب رسید. این اعلامیه با تأکید بر اینکه تمام افراد بشر آزاد متولد می شوند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، اعلام می دارد: هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد.^۳

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل در دانشگاه تهران.

بنابراین، تعلق کلیه حقوق بشر به همه افراد بصورتی برابر و در تمام شرائط و موقعیت ها، امری بدیهی و مورد پذیرش جامعه بین المللی می باشد.

اما ناگفته پیداست که همیشه وضعیت بدین شکل نیست و گروه هایی از افراد همواره بخاطر شرایط و موقعیتی که دارند از دستیابی کامل به حقوقشان محروم مانده اند. کودکان، زنان، اقلیت ها و معلولان که در کل می توان آنها را اقشار آسیب پذیر نامید، از جمله آنها می باشند. به همین جهت، اسنادی در سطح بین المللی مانند کنوانسیون های مربوط به کودکان، زنان، اقلیت ها به تصویب رسیده اند که به شکلی خاص حقوق این گروه از افراد را مورد تأکید و حمایت قرار داده اند. منظور از تدوین و تصویب چنین اسنادی، دادن امتیازی خاص و حقوقی ویژه به این افراد نیست بلکه هدف صرفاً اتخاذ ترتیباتی مناسب جهت پشتیبانی از آنان برای بهره مندی برابر و کامل از حقوقشان می باشد. در واقع هدف اصلی این ترتیبات حقوقی، ایجاد شرایط مناسب برای عینیت بخشیدن و تسهیل استیفای حقوق اقشار آسیب پذیر بوده است.

معلولان^۴ یا به عبارت بهتر افراد دارای معلولیت^۵ از جمله این گروه می باشند که متأسفانه بخاطر شرائط و موقعیتی که دارند همواره از استیفای کامل حقوق خود بصورتی برابر با سایر افراد جامعه، محروم بوده اند. به همین خاطر، اقداماتی در سطوح مختلف بین المللی و داخلی جهت حمایت از آنان به منظور پشت سر گذاشتن موانع موجود بر سر راه تحقق کامل حقوقشان صورت گرفته و یا در حال تحقق است. در ادامه، این حمایت ها را در دو قالب حمایت بین المللی عام و خاص^۶ مورد بررسی قرار می دهیم.

حمایت از معلولان در پرتو اسناد حقوقی عام

بطور کلی، آغاز جنبش های حمایت از افراد دارای معلولیت به اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر می گردد. اولین جوامع و سازمانهای حمایت از روشندان در سال ۱۸۸۹ و برای ناشنوایان در سال ۱۸۹۰ در انگلستان تأسیس شدند. در ایالات متحده، این جنبش ها بعد از پایان جنگ جهانی اول و همراه با بازگشت افراد نابینا و دیگر معلولان ناشی از جنگ به وطن فعال شدند.^۵ در سطح بین المللی برای اولین بار در اعلامیه حقوق کودک مصوب ۱۹۲۴ جامعه ملل بود که مسأله حمایت از معلولان (مخصوصاً کودکان دارای معلولیت ذهنی)

مورد توجه قرار گرفت.^۶

از آسیب پذیری به خصوص در برابر طرد شدن و فقر در رنج باشند.... بنابراین ما؛ رؤسای دولتها تعهد می‌نمائیم محیطی قانونی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که دسترسی به توسعه اجتماعی را میسر سازد فراهم آوریم...^۹ اعلامیه کنفرانس جهانی زن (پکن ۱۹۹۵) هم در این رابطه تصریح می‌دارد که دولتها باید بر تلاشهایی که جهت تضمین برخورداری برابر عموم زنان و دختران از جمیع حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و حذف موانع چندگانه‌ای که در راه توانمندسازی و پیشرفت آنان به دلیل عوامل چون نژاد، سن، زبان، قومیت، فرهنگ، دین یا معلولیت یا بومی بودن وجود دارد، بیافزایند.^{۱۰}

بنابراین در این بررسی کوتاه شاهد بودیم که حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت بطور کل چگونه در قالب اسناد فوق مورد حمایت و تأکید قرار گرفته است. اما در کنار اینها، اسنادی نیز وجود دارند که بطور خاص حقوق افراد دارای معلولیت را مورد بررسی قرار داده و موانع موجود بر سر راه تحقق کامل آن حقوق را شناسایی نموده‌اند.

لازم به یادآوری است که عمدتاً توجهات بین‌المللی به معلولان از جانب سازمان ملل متحد و بخصوص از دهه هفتاد به بعد صورت پذیرفته است.

حمایت از معلولان در چارچوب اسناد حقوقی خاص

متعاقب رشد جمعیت جهان، تعداد افراد دارای معلولیت نیز بطور مستمر افزایش یافته است. جنگ و سایر اشکال خشونت، عدم کفایت مراقبتهای بهداشتی، سوانح طبیعی و اقسام مختلف بیماریها از عوامل افزایش تعداد این افراد می‌باشند. جای شگفتی نیست که بسیاری از معلولان فقیر هستند. اکثریت چشمگیری از آنان (حدود ۸۰ درصد) در مناطق روستایی مجزا زندگی می‌کنند. تقریباً بسیاری از معلولان در مناطقی زندگی می‌کنند که خدمات مورد نیاز برای کمک به آنان در دسترس نیست و موانع اجتماعی از مشارکت کامل آنها در جامعه جلوگیری می‌کند. به همین علت بسیاری از معلولان جدا از دیگران و در کل، در وضعیتی توأم با ناامیدی زندگی می‌کنند.^{۱۱}

به همین خاطر است که سازمان ملل متحد از ابتدای تأسیس، برای دفاع از حقوق بنیادین بشر از جمله افرادی که دارای معلولیت هستند، تلاش نموده است. گامهای نخستین در این زمینه از سوی سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه حقوق اشخاص دارای اختلالات روانی در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ از سوی مجمع عمومی برداشته شد. این اعلامیه بیان می‌دارد که: اشخاص مذکور نیز مانند سایر اشخاص از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر پیمانهای مربوط برخوردارند. همچنین اعلامیه فوق راهکارهایی را به منظور همسان کردن کامل اشخاص دارای معلولیت با جامعه ارائه می‌دهد.^{۱۲} در سال ۱۹۷۵ (۹ دسامبر) اعلامیه دیگری از سوی مجمع عمومی، این بار، در مورد کلیه افراد معلول به تصویب رسید که در آن حمایت ملی و بین‌المللی از حقوق معلولان مورد تشویق قرار گرفت. اعلامیه بیان داشته که افراد معلول نیز به مانند سایر افراد دارای حقوق مدنی و سیاسی می‌باشند و اقدامات لازم جهت خودکفایی و خوداتکائی آنان بایستی صورت بگیرد. اعلامیه همچنین مکرراً حقوق افراد دارای معلولیت در خصوص آموزش، خدمات بهداشتی و خدمات اجتماعی را مطرح نموده است.^{۱۳} مجمع عمومی در گامی دیگر در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۶، سال ۱۹۸۱ را به عنوان سال بین‌المللی معلولان نام‌گذاری نمود.^{۱۴} سال بین‌المللی معلولان توأم با برنامه‌های متعددی برای افراد معلول بود. انجام پژوهشهای علمی، ابتکارهای سیاسی، توصیه‌ها و... بخشی از رویدادهای این سال بود. کنفرانس‌ها و گردهمایی‌های زیادی از جمله برگزاری اولین کنگره بین‌المللی افراد دارای معلولیت در سنگاپور^{۱۵} در طول این سال برگزار شد. اما مهمترین ره آورد این سال، زمینه‌سازی تصویب برنامه جهانی اقدام برای معلولان در سال بعد بود.

در سال ۱۹۸۲ (سوم دسامبر)، مجمع عمومی گام مهمی را در جهت

سپس چنانکه گفته شد تدوین منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز تصویب دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۶۶، شناسایی عام حقوق اساسی بشر را در قالب حقوقی فراهم کردند. در این اسناد، از تعلق تمام حقوق و آزادی‌های اساسی نسبت به کلیه افراد بشر بدون هیچ‌گونه تبعیضی یاد شده و افراد دارای معلولیت بطور خاص مورد توجه قرار نگرفته‌اند. همچنین اسناد دیگری از حقوق بشر مانند کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران (۱۹۶۸)، کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون ممنوعیت شکنجه و دیگر اشکال رفتار ظالمانه و ضد انسانی (۱۹۸۴) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰) نیز بصورتی کلی حقوق بشر تمام افراد را مورد توجه قرار داده‌اند و بطور مشخص به افراد دارای معلولیت اشاره نشده است. اما در کنار اینها، اسناد مهم دیگری از حقوق بشر وجود دارند که ضمن شناسایی و حمایت از حقوق گروهی یا کلیه افراد انسانی، حقوق افراد دارای معلولیت را نیز مشخصاً مورد تأکید قرار داده‌اند.

کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ طی مواد ۲۳، ۳۴ و ۳۹ خود، به وضعیت کودکان دارای معلولیت توجه خاص مبذول داشته است. این کنوانسیون در بند ۱ ماده ۲۳ آورده است: کشورهای طرف کنوانسیون اذعان دارند کودکی که از نظر ذهنی یا جسمی دچار نقص می‌باشد باید در شرایطی که متضمن منزلت و افزایش اتکای به نفس بوده و شرکت فعال کودک در جامعه را تسهیل نماید، رشد یافته و از یک زندگی آبرومند و کامل برخوردار

سازمان ملل متحد از ابتدای تأسیس، برای دفاع از حقوق بنیادین بشر از جمله افرادی که دارای معلولیت هستند، تلاش نموده است. گامهای نخستین در این زمینه از سوی سازمان ملل متحد با تصویب اعلامیه حقوق اشخاص دارای اختلالات روانی در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۱ از سوی مجمع عمومی برداشته شد.

گردد. در دیگر بندهای این ماده نیز کنوانسیون تأکید می‌کند که باید به نحوی برنامه‌ریزی شود تا کودک معلول بتواند به آموزش، تعلیم و تربیت و خدمات مراقبتی بهداشتی، خدمات توانبخشی، آمادگی برای اشتغال و ایجاد فرصت به روشی که موجب دستیابی کودک به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی وی می‌شود، دسترسی مؤثر داشته باشد.^۷

همچنین اعلامیه جهانی حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ در اصل پنجم خود به کودکان دارای معلولیت اشاره نموده و اعلام می‌کند: کودکی که از لحاظ بدنی، فکری یا اجتماعی معلول است باید تحت توجه خاص آموزش و مراقبت لازم متناسب با وضع خاص وی، قرار گیرد. کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ نیز در بخشی از اعلامیه پایانی خود صراحتاً بیان داشته که کلیه حقوق بشر و آزادیهای اساسی، جهانی هستند و بدون استثنا شامل افراد معلول نیز می‌شوند. کلیه افراد از بدو تولد یکسان هستند و از حقوق مشترک حیات، رفاه، آموزش، کار، زندگی مستقل و شرکت فعال در کلیه جنبه‌های اجتماعی برخوردار می‌باشند. بنابراین هر نوع تبعیض مستقیم یا رفتار تبعیض آمیز منفی نسبت به فرد معلول، نقض حقوق فرد تلقی می‌شود. کنفرانس جهانی از دولتها می‌خواهد در صورت لزوم قوانینی را برای تضمین برخورداری افراد معلول از این حقوق، تصویب کنند.^۸

همچنین کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی کینهاگ که با حضور سران دولتها در مارس ۱۹۹۵ در کشور دانمارک برگزار شد، در اعلامیه پایانی خود آورده است: معلولین یکی از بزرگترین اقلیها، یعنی یک دهم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. اینان در اکثر موارد از روی ناچاری به فقر، بیکاری و انزوای اجتماعی تن در داده‌اند. بعلاوه در تمامی کشورها، افراد مسن تر ممکن است

تحقق اهداف سال بین‌المللی معلولان از رهگذر برنامه جهانی اقدام برای معلولان برداشت. رویکرد این برنامه در قبال معلولان در قالب سه بخش پیشگیری، توانبخشی و برابری فرصت‌ها تدوین یافته بود. اجرای بلند مدت استراتژی‌های تضمین سیاست‌های ملی در مورد توسعه اقتصادی-اجتماعی، فعالیت‌های پیشگیرانه از جمله توسعه و استفاده از علوم و فنون بمنظور جلوگیری از بروز معلولیت، حذف قوانین ضد تبعیض در دسترسی به تسهیلات، امنیت اجتماعی، آموزش و استخدام، در راستای موفقیت برنامه اقدام بنحوی ضروری احساس می‌شود. در سطح بین‌المللی نیز دولت‌ها همکاری با یکدیگر، سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی را در امور فوق تقاضا دارند.^{۱۶}

برنامه عمل جهانی ۱۹۸۲ اگرچه سند الزام‌آوری تلقی نمی‌شود اما امروزه بعنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ارائه راهکارهای مناسب در سه حوزه پیشگیری از معلولیت، توانبخشی و برابری فرصت‌ها محسوب می‌شود. سازمان ملل در ادامه فعالیت‌های خود در مورد اشخاص دارای معلولیت، فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ را به عنوان دهه اشخاص معلول نام‌گذاری کرد. تأکید بر ایجاد منابع جدید مالی، اصلاح موقعیت‌های استخدامی و آموزشی برای معلولان و افزایش مشارکت آنان در جامعه از اهداف اصلی این دهه تلقی می‌گردند. در طول این دهه اقدامات زیادی در خصوص مسائل مربوط به افراد دارای معلولیت صورت گرفت که بررسی مفصل آنها در این مختصر نمی‌گنجد. در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱ مجمع عمومی اصول مربوط به حمایت از بیماران روانی را در قالب اعلامیه‌ای دیگر به تصویب رساند. این اصول بیست و پنج‌گانه، آزادی‌های اساسی و حقوق بنیادین افراد مذکور را تشریح نمود و خواستار آن است که اعلامیه در مجموعه اسناد حقوق بشری نگهداری شود.^{۱۷}

در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی از دولت‌ها درخواست نمود روز سوم دسامبر هر سال (سالروز تصویب برنامه جهانی اقدام در سال ۱۹۸۲) را به عنوان روز جهانی افراد دارای معلولیت نام‌گذاری نمایند. در همان سال نیز شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد حمایت خود را از اعلام دهه آسیا - پاسیفیک برای اشخاص معلول ابراز نمود (۲۰۰۲-۱۹۹۳). پایان دهه بین‌المللی معلولان مصادف با تصویب قواعد استاندارد برای اشخاص دارای معلولیت در مورد برابری فرصت‌ها^{۱۸} در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ بود.^{۱۹} این قواعد نیز در کنار برنامه جهانی اقدام از دیگر اسناد مهم حمایت از افراد دارای معلولیت محسوب می‌شود که راهکارهای مناسبی را در جهت بهبود وضعیت معلولان در جوامع به دولت‌ها توصیه نموده است. کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ از مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل متحد خواسته بود که پیش‌نویس قواعد استاندارد و برابری فرصت‌ها برای اشخاص دارای معلولیت را در اجلاس‌های خود در سال ۱۹۹۳ مورد تصویب قرار دهند.^{۲۰} قواعد استاندارد، بر مبنای تجارب کسب شده در طول دهه سازمان ملل متحد برای اشخاص دارای معلولیت (۱۹۹۲-۱۹۸۳) تدوین شده است.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و نیز برنامه جهانی اقدام در مورد معلولان، بنیان‌های اخلاقی و سیاسی این قواعد را شکل می‌دهند.^{۲۱}

اگرچه قواعد استاندارد جنبه لازم‌الاجرائی ندارند، زمانی که توسط تعداد زیادی از دولت‌ها با قصد احترام به یک قاعده حقوق بین‌الملل به اجرا در بیایند می‌توانند قالب عرف بین‌المللی را به خود بگیرند.^{۲۲} این قواعد همچنین متضمن یک مکانیسم کنترل جهت حمایت از اجرای آن می‌باشد. بر این اساس، لازم است که به منظور اجرای استانداردهای مورد نظر، یک گزارشگر ویژه تعیین که به طور مستقیم با دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی ودولتی و غیر دولتی گفتگو نماید.^{۲۳} یکسال بعد یعنی در سال ۱۹۹۴ (۲۳ دسامبر) استراتژی بلند مدت اجرای برنامه اقدام به تصویب رسید. این استراتژی دارای

چارچوبی جهت تشریح مساعی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای دستیابی به اهدافی که در قطعنامه شماره ۴۸/۹۹ مجمع عمومی با عنوان "جامعه‌ای برای همه در سال ۲۰۱۰" تصریح شده، است. خطوط اصلی استراتژی، اقداماتی است که توسط دولت‌ها برای دوره زمانی بین سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ همراه با اهداف مشترک، چارچوب زمانی اقدام و مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی جنبشی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی برای درک اهداف مورد نظر، پیشنهاد گردیده است.^{۲۴} این استراتژی نیز در کنار برنامه جهانی اقدام و قواعد استاندارد از جمله مهم‌ترین اسناد حمایتی از اشخاص دارای معلولیت تلقی می‌شوند. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که کنترل و نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشورهای مختلف را به عهده دارد. از سال ۲۰۰۰ به بعد قطعنامه‌های متعددی را در مورد مسائل مربوط به معلولان و حمایت از حقوق آنان صادر نموده و طی آنها از دولت‌ها خواسته از اعمال هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به اشخاص دارای معلولیت بپرهیزند.

به هر صورت، با وجود ترتیباتی که تاکنون در قالب اعلامیه و قطعنامه در راستای حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت اتخاذ شده و به طور مختصر در فوق مورد بررسی قرار گرفت، تاکنون یک کنوانسیون جامع بین‌المللی در مورد معلولان که به لحاظ حقوقی الزام‌آور باشد، بتصویب نرسیده است. به همین خاطر است که مجمع عمومی بارها و طی قطعنامه‌های مختلف خواستار تدوین کنوانسیونی راجع به حقوق اشخاص دارای معلولیت شده است. در همین چارچوب، در دسامبر سال ۲۰۰۱، کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک کمیته موقت (Adhoc) را به منظور بررسی پیشنهاد

برنامه عمل جهانی ۱۹۸۲ اگرچه سند الزام‌آوری تلقی نمی‌شود اما امروزه بعنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای ارائه راهکارهای مناسب در سه حوزه پیشگیری از معلولیت، توانبخشی و برابری فرصت‌ها محسوب می‌شود. سازمان ملل در ادامه فعالیت‌های خود در مورد اشخاص دارای معلولیت، فاصله سالهای ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ را به عنوان "دهه اشخاص معلول" نام‌گذاری کرد.

تدوین کنوانسیونی جامع و کامل برای حمایت از معلولان و ترویج حقوق و منزلت آنان ایجاد نمود. این کمیته اولین جلسه خود را از تاریخ ۲۹ ژوئیه تا ۱۹ اوت ۲۰۰۲ در مقر سازمان ملل برگزار نمود که بیشتر محور بحث برسر مسائل شکلی بود. در این اجلاس دولت‌ها برسر تنظیم قواعدی جهت مشارکت وسیع سازمان‌های غیردولتی و دعوت از مؤسسات حقوق بشری ملی و کارشناسان جهت شرکت در جلسه بعدی این کمیته توافق نمودند. در جهت کمک به کمیته مذکور، سمینارها و نشست‌هایی در خصوص موضوع مورد بحث سازماندهی و برگزار شده است.^{۲۵}

اجلاس دوم کمیته از تاریخ ۱۶ تا ۲۷ ژوئن ۲۰۰۳ در نیویورک برگزار شد و پیشنهاد ایجاد یک گروه کاری برای تهیه پیش‌نویس کنوانسیونی راجع به معلولان و ارائه آن نشست بعدی کمیته، به تصویب رسید. کمیته مذکور همچنین تصمیم گرفت که گروه کاری مزبور متشکل از نمایندگان ۲۷ دولت که بوسیله گروه‌های منطقه‌ای انتخاب می‌شوند، ۱۲ نماینده از سازمان‌های غیردولتی و یک نماینده از مؤسسات ملی باشد که این مسأله در قطعنامه ۵۷/۱۲۴ مورد تأیید مجمع عمومی نیز قرار گرفته است. گروه کاری مذکور جلسات خود را از تاریخ ۵ تا ۱۶ ژانویه ۲۰۰۴ در نیویورک برگزار نمود و در پایان، متن پیش‌نویس کنوانسیونی راجع به حقوق معلولان را به تصویب رساند که مقرر شد این متن در اجلاس سوم کمیته که از تاریخ ۴ ژوئن تا ۲۴ می ۲۰۰۴ برگزار می‌گردد، مورد بحث و بررسی قرار بگیرد.^{۲۶} که مذاکرات در این باره بمنظور تصویب نهایی آن همچنان ادامه دارد.

به طور کلی هدف از ارائه چنین پیش‌نویسی شناسایی موانعی است که اشخاص دارای معلولیت در راستای استیفاء کامل حقوقشان با آنها مواجه هستند و نیز تأکیدی است بر ارزشهای بنیادین حقوق بشر یعنی: کرامت (dignity)،

برابری (equality) و عدالت اجتماعی (Social justice).

این پیش‌نویس حاوی مجموعه متنوعی از حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) برای افراد دارای معلولیت است. برابری و عدم تبعیض (مواد ۲ و ۷)، حق حیات (ماده ۸)، دارا بودن شخصیت حقوقی (ماده ۹۰)، آزادی و امنیت شخصی (ماده ۱۰)، ممنوعیت هر گونه شکنجه و رفتار غیر انسانی (ماده ۱۱)، آزادی بیان و عقیده (ماده ۱۳)، احترام به حرمت حق خلوت، منزل و خانواده (ماده ۱۴)، استقلال زندگی و ورود به جامعه (ماده ۱۵)، آموزش (ماده ۱۷)، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی (ماده ۱۸)، امکان دسترسی به امکانات جامعه (ماده ۱۹)، حق بر سلامت و توانبخشی (ماده ۲۱)، اشتغال (ماده ۲۲)، تأمین اجتماعی (ماده ۲۳) و مشارکت در زندگی فرهنگی، ورزشی و تفریحی (ماده ۲۴).

این پیش‌نویس همچنین متضمن یک نظام کنترل و نظارت دائمی (Monitoring) در سطح ملی است که طی آن از دولتها می‌خواهد طبق سیستم حقوقی و اجرایی خود، چارچوبی را جهت ترویج، حمایت و نظارت بر اجرای حقوقی که در کنوانسیون حاضر شناسایی شده، طراحی، ایجاد و تقویت نمایند. (ماده ۲۵)

۳- حمایت از معلولان در حقوق ایران: کورس‌های امید

مسئله حمایت از افراد دارای معلولیت در کشورهای در حال توسعه مانند ایران که هنوز شاخصهای کمی و کیفی توسعه در مراحل اولیه پیشرفت قرار دارند و بخصوص در کشورهایی که سازمان بهداشت جهانی اذعان می‌نماید بیش از دو سوم کل معلولان جهان در آنها زندگی می‌کنند، اهمیت بیشتری می‌یابد و این مسئله باز برای کشور ما از این جهت که سالها درگیر جنگ بوده است، اهمیت مضاعف یافته است. این امر، بر شمار سایر معلولان ژنتیکی و عارضی (در نتیجه عواملی خارجی غیر از جنگ) افزوده است. چنانکه گفته شد، عمده حمایت‌هایی که در چارچوب اسناد بین‌المللی از افراد دارای معلولیت صورت گرفته، به جز اسناد عامی که حقوق بشر کلیه افراد را مورد شناسایی قرار داده‌اند و بویژه کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بعنوان تنها سند لازم‌الاجراء که مشخصاً حقوق کودکان دارای معلولیت را مورد توجه قرار داده (ایران نیز به آن ملحق شده است)، در سایر موارد عمدتاً در قالب قطعنامه و اعلامیه می‌باشد. لیکن چنانکه گفته شد همین اسناد، ابزارها و راهکارهای مناسبی را جهت شناسایی موانع و بهبود وضعیت معلولان و نهایتاً

بی‌نوشت

تحقق آرمان عدالت اجتماعی، ارائه داده‌اند و چنانچه این راهکارها بصورت یک قاعده بین‌المللی از طرف تعداد زیادی از کشورها به مورد اجرا گذاشته شوند، می‌توانند شکل عرف بین‌المللی را بخود بگیرند.

مهم‌ترین دستاورد این اقدامات بین‌المللی را در کشورمان می‌توان در قالب قوانین و مصوبات مختلف و بخصوص قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۸۳/۳/۶ مجلس شورای اسلامی و نیز قانون ساختار وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۸۳/۳/۱۷ مشاهده نمود. با اینکه این قوانین دارای نقایص زیادی هستند و در راه اجرایشان با چالشهای متعددی مواجه می‌باشند، لیکن این حرکتها می‌تواند زمینه خوبی برای اتخاذ اقدامات بیشتر در جهت حمایت از افراد دارای معلولیت در آینده باشد.

نتیجه‌گیری

چنانکه در سطرهای فوق گذشت، کلیه افراد صرفنظر از هرگونه موقعیتی که دارند، چه به صورت عام و چه به صورت خاص مورد حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌باشند.

در این میان، افراد دارای معلولیت بخاطر وضعیت و شرایط خاصی که دارند همواره بیش از سایر افراد در معرض محرومیت و نقض حقوق خود قرار گرفته‌اند. بدیهی است گرچه هدف اصلی اسناد حقوق بشری، شمول کلیه حقوق مندرج در آنها نسبت به همه افراد از جمله افراد دارای معلولیت می‌باشد، لیکن وجود اسنادی خاص که مشخصاً حقوق اساسی این قشر از افراد را مورد حمایت و تأکید قرار دهند می‌تواند نقش بسزایی در روند توسعه و نهایتاً برقراری عدالت اجتماعی ایفاء نماید.

مشارکت کامل در جامعه، برابری فرصتها و مناسب‌سازی محیط اجتماعی برای معلولان، سه مقوله عمده‌ای بحساب می‌آیند که در رابطه با این گروه می‌بایست مورد توجه جدی قرار بگیرند.

گو اینکه اسناد متعددی تاکنون در قالب‌های مختلف به تصویب رسیده و این سه مقوله را عمدتاً محور بحث‌های خود قرار داده‌اند، اما چنانکه گفته شد هنوز سند جامع و کاملی که دارای آثار حقوقی نیز باشد تصویب نشده است. امید است پیش‌نویس کنوانسیون همه‌جانبه مربوط به اشخاص دارای معلولیت که در بالا به آن اشاره شد، هر چه سریعتر به تصویب رسیده و از آن پس شاهد یک نظام حقوقی مستقل راجع به معلولان در سطح بین‌المللی باشیم. علاوه بر این، باز اندیشی در نظام جامع حمایت از معلولان از جهت رفع نقایص محتوایی و کاربردی کردن آنها بویژه پیش‌بینی تدابیر اجرایی مناسب و کارآمد نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

12- GA, resolution 2856, 20 dec 1971.

13- GA, resolution 3447, 9 dec 1975.

14- disabled persons bulletin, op.cit, p.6.

15- Ibid.

16- GA, resolution 3752, 3 dec 1982.

17- GA, resolution, 46119, 17 dec 1991.

18- Standard rules on the Equalization of opportunities for persons with disabilities.

19- GA, resolution, 4896, 20 dec 1993.

۲۰- همان منبع، صفحه ۲۶۰.

21- standard rules, op.cit, para 13.

22- Ibid, para. 4.

23- disabled persons bulletin, op.cit, p11.

24- GA, resolution, 49153, 23 dec 1994.

25- www. Unhchr. Ch/disability/convention. Htm.

26- www. Unhchr. Ch/disability/development. Htm.

1- CopenhaGen dec laration on Sosial developm, 1995, para 16(h).

2- universal dec laration of human rights, 1948, Article 1.

3- Ibid, Article 2.

4- Handdicated.

۵- مصفا، نسرین، اقدامات بین‌المللی برای حمایت از افراد دارای معلولیت؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۸، صفحه ۲۵۵.

۶- کمالی، محمد، سیمای وضعیت افراد دارای معلولیت در ایران، سخنرانی در کارگاه حقوق افراد دارای معلولیت، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۵-۱۴ آبان ۱۳۷۹.

۷- بندهای ۲ و ۳.

8- Vienna dec laration on human rights, 1993, para 63.

9- Copenhagen dec laration, op.cit, para 16 (h).

10- Beijing dec laration about Womens, 1995, para 32.

11- disable persons Bulletinof united Nations NO.2, 1997.

pp.1-2.